



۲۰۱۷/۰۸/۲۲



استاد ظریف امین یار

بررسی اجمالی ستراتیژی امریکا در قبال افغانستان!

پیروز شدن ایالات متحده امریکا در افغانستان برای حفظ هژمونی و پرستیژ جهانی آن مهم پنداشته می شود. همانطوریکه می دانید امریکا تا کنون نتوانست در جنگ افغانستان پیروز شود بناً بالآخره مجبور به آوردن تغییر در روش و ستراتیژی برای پیروز شدن در طولانی ترین جنگ تاریخ خود شد. ستراتیژی جدید را که گفته می شود بعد از ماهها چانه زنی تدوین شده است شب قبل توسط رئیس جمهور امریکا آقای دونالد ترمپ ارایه شد. بنظر می رسد ستراتیژی مذکور برای امریکا و افغانستان به مراتب قناعت بخش و امید دهنده به نسبت ستراتیژی قبلی امریکا در قبال افغانستان باشد. این نوشته روی بررسی ستراتیژی جدید امریکا در مورد افغانستان متمرکز است.

۱. تغییر ستراتیژیک از روش مبتنی بر زمان به بر موضع گیری مبتنی بر شرایط

همانطوریکه در چندین مقاله به این مورد اشاره نمودم ام، یکی از اشتباهات ستراتیژیک رئیس جمهور باراک اوباما اعلام کردن تاریخ بیرون شدن نیروهای نظامی از افغانستان بود. اعلام کردن تاریخ برگشت نیروهای نظامی امریکا و ناتو از افغانستان در ذات خود مخالفین دولت افغانستان (طالبان و حامیان) را روحیه داد. لیکن دیده می شود که ترمپ به این اشتباه پی برده است و در سخنان خود صریحاً می گوید که ما تاریخ بیرون شدن نیروهای نظامی امریکا را اعلام نمی کنیم زیرا این کار محض اشتباه خواهد بود. او گفت ما در افغانستان تا زمانیکه تعهد و پیشرفت را در این کشور مشاهده خواهیم کرد، باقی می مانیم. این یک انکشاف فوق العاده خوب برای افغانستان است. اعلام تعهد بدون تاریخ می تواند افغانها و امریکاییها را پیروز این جنگ پیچیده بسازد.

۲. مخفی نگهداشتن شمار عساکر

همانطوریکه در مقاله قبلی ام در باره ستراتیژی امریکا در افغانستان تذکر داده بودم که امریکا اراده دارد تا شمار عساکر را در افغانستان افزایش دهد، اینک دیده می شود که پنتاگون و کاخ سفید در مورد افزایش شمار عساکر در افغانستان به موافقه رسیده اند. اینکه دونالد ترمپ می گوید ما شمار عساکر را در افغانستان مخفی حفظ خواهیم کرد دو دلیل می تواند داشته باشد: یک بخاطریک اینکه دشمنان افغانستان از پلانهای امریکا بی خبر باقی بمانند و دوم اینکه احتمال زیاد وجود دارد که امریکا شمار عساکر را به مراتب بیشتر از آنچه مردم فکر می کنند افزایش دهند. چون اعلام یک عدد بزرگ در ذات خود می تواند شکست ایالات متحده امریکا را در افغانستان نشان دهند بناً آنها می خواهند شمار عساکر مخفی باقی بماند. یعنی براساس اقتضای زمان و وضعیت شمار عساکر بصورت مخفی افزایش و کاهش خواهد یافت. ترمپ در این مورد گفت: «دشمنان ما باید از پلانهای اطلاع نداشته باشند.» او اضافه کرد: «ما زمان حملات خود را به کسی نخواهیم گفت اما قطعاً بالای دشمنان حمله آور خواهیم شد.» به هرصورت دیده شود که افزایش عساکر چقدر می تواند برای پیروزی در جنگ افغانستان موثر واقع می شود. من که بدون رسیدن به صلح دیگر راه حل عقلایی را در افغانستان نمی بینم. این را می پذیرم که اگر جنگ بصورت درست مدیریت شود امکان دارد زمینه را برای پروسه های سیاسی و صلح فراهم کند.

۳. ادغام تمام ابزارهای قدرت امریکا

بنظر می رسد ایالات متحده امریکا نیز اکنون به آن نقطه رسیده است که درک نمایند که برای پیروز شدن در جنگ افغانستان به یک ستراتیژی ۳۶۰ درجه دقیق و جامع که ابزارهای قدرت امریکا در آن مدغم شده باشد نیاز است. این اولین بار است که امریکا از تمام ابزارهای قدرت خود برای پیروز شدن در جنگ افغانستان صحبت می کند. رئیس جمهور دونالد ترمپ در لابلای سخنان خود گفت که امریکا از ابزارهای لازم دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی برای برنده شدن در جنگ افغانستان استفاده خواهد کرد. این نکته نه تنها راه را برای مذاکرات سیاسی و روند صلح باز می کند بلکه اهمیت ثبات اقتصادی را نیز در امر بوجود آوردن ثبات و امنیت نادیده نمی گیرد.

آقای ترمپ گفت: «آمریکا همچنان از حکومت افغانستان و اردو افغانستان در برابر جنگ با طالبان پشتیبانی و حمایت خواهد کرد. اما در نهایت این مسوولیت مردم افغانستان است که مالکیت سرنوشت شان را بدست خود بگیرند و برای رسیدن به صلح پایدار راه های حکومتدار درست را جستجو نمایند. او اضافه کرد که در نهایت، مردم افغانستان به دنبال

جذب سرنوشت خود هستند، جامعه خود را مدیریت می کنند و برای رسیدن به صلح ابدی. ما بعنوان یک متحد و دوست افغانستان باقی می مانیم اما هرگز به خود حق نمی دهیم که به مردم افغانستان یاد بدهیم که چگونه زندگی کنند و یا چگونه در جامعه بیچیده خود حکومتداری نمایند. ما مکرراً مصمم به ملت سازی نسیم بلکه مسوولیت و وظیفه ما این است که ترویست ها را بکشیم.»

هر چند گفته های ترمپ در مورد مسوولیت های افغانها درست و منطقی است اما اینکه امریکا دیگر مسوولیت ملت سازی را در افغانستان ندارد بنظر من یک اشتباه محض است. من اعتقاد دارم در جنگ افغانستان وقتی ما می توانیم پیروز شویم که ملت سازی را نیز در کنار ابزارهای دیگر برای پیروز شدن استفاده کنیم. اگر ملت سازی صورت نگیرد امکان تحقق به اهداف نظیر دموکراسی، حاکمیت قانون، اشتراک و اجماع ملی، شفافیت، عدالت و تساری حقوق، امنیت، ثبات و صلح نخواهد بود. رسیدن به صلح و ثبات سعادت پایداری بدون ملت سازی ناممکن بنظر می رسد.

آقای ترمپ بعداً گفت: «بعد از انجام عملیات موفقانه نظامی یک زمان خواهد رسید که امکان آن بوجود بیاید تا ما با طالبان مذاکرات صورت بدهیم و به یک نتیجه مطلوب برسیم و طالبان نیز شریک حکومت افغانستان شوند. اما دقیق نمی توان گفت که چه زمان این کار امکان پذیر خواهد بود.»

این سخنان آقای ترمپ نشان می دهد که ایالات متحده امریکا راه های مذاکرات سیاسی و صلح را بسته نکرده است و اراده دارند که در مسیر راه با طالبان مذاکرات سیاسی را برای شریک ساختن آنها در حکومت انجام دهند. این کار برای آینده افغانستان حتمی است.

۴. تغییر در نحوه برخورد با پاکستان

قضیه افغانستان بدون فشار آوردن بالای پاکستان حل ناپذیر است. همانطوریکه در نوشته قبلی ام گفته بودم امریکا بالای پاکستان فشار های نرم خواهد وارد کرد اینک دیده می شود که امریکا حتی بیش از انتظار ما می خواهد بالای پاکستان فشار وارد کند. تغییر نحوه برخورد با پاکستان ذهنیت سیاسی سالهای سیاسیون افغان بود که امروز به نتیجه رسید. این تغییر فوق العاده می تواند برای حل قضیه افغانستان مؤثر واقع شود.

آقای ترمپ در این مورد گفت: «ما دیگر نمی توانیم در مورد پناه گاه های امنیتی پاکستان برای سازمان های تروریستی، طالبان و گروه های دیگر که تهدیدی برای منطقه و فراتر از آن است، سکوت اختیار کنیم.»

آقای ترمپ همچنان گفت: «در صورت همکاری کردن با ما پاکستان می تواند خیلی مزیت ببرد اما اگر به ادامه حمایت از جنایتکاران و دهشت افگنان پردازد سخت متضرر خواهد شد.»

این پیام را میتوان بعنوان یک پیام واضح برای اسلام است از جانب امریکا دانست. این وضعیت برای پاکستانی ها نشانگر شکست دیپلوماسی و سیاست آن در قبال افغانستان تلقی می شود. لیکن اسلام آباد هنوز هم فرصت دارد تا بالای نحوه برخورد خود با افغانستان و منطقه یک تغییر بنیادی بوجود بیاورد، در غیر آن بصورت عمیق متضرر خواهد شد که حتی می تواند منجر به تجزیه آن گردد.

آقای ترمپ با استفاده از چند الفاظ سیاسی از همکاری های گذشته پاکستان چنین یاد کرد: «در گذشته ها پاکستان بعنوان یک متحد ارزشمند امریکا مطرح بود. نیروهای امریکایی و پاکستانی باهم در برابر دشمنان مشترک جنگیدند. مردم پاکستان به شدت از ناحیه دهشت افگنان و افراط گرایی رنج می برند. ما سهم پاکستان و قربانی های شان را در این مدت پاس می داریم.»

این سخنان طرز سیاسی داشت در اصل این تلاش آقای ترمپ برای حفظ موازنه با پاکستان بود. سخنان فوق در باره پاکستان نشان می دهد که هنوز هم پاکستان از صحنه سیاست کاملاً بیرون نشده است و به امریکا بعنوان یک متحد باقی خواهد ماند. اما اینکه اعتماد قبلی که امریکا بالای پاکستان می کرد حالا صورت خواهد گرفت یا نه کاملاً واضح است و پاسخ آن «نه» است.

در مورد پاکستان آقای ترمپ به تعقیب سخنان قبلی خود چنین می گوید: «اما پاکستان روزانه دارد به سازمانهای سیاه پناه گاه می دهد و آن را حمایت می کند که روزانه تلاش می کنند تا مردم ما را بکشند. ما به پاکستان بیلونها دالر کمک می کنیم اما در مقابل آن پاکستان به دهشت افگانی که ما را می کشند و با ما درگیر جنگ هستند، پناه گاهای امن فراهم می کند. اما این وضعیت بلا فاصله تغییر خواهد کرد. هیچ مشارکتی نمی تواند باقی باشد در صورتیکه که یک کشور برای دهشت افگنان پناهگاههای امن فراهم کند که از آنجا اردو و کارمندان امریکایی هدف قرار داده شود. حالا زمان آن رسیده است که پاکستان تعهد خود را در قبال مدنیت، قانون و صلح نشاندهد.»

این سخنان آقای ترمپ موقف دقیق، جامع و قاطع ایالات متحده آمریکا را در قبال پاکستان نشان می دهد. این را ما می توانیم پیروزی حقانیت افغانستان در مقابل پاکستان تلقی کنیم.

۵. گسترش روابط با هند

یک انکشاف دیگر در استراتژی آمریکا این است که آنها می خواهد نقش بیشتر به هند که دوست دیرینه افغانستان است؛ قابل شوند. برای آمریکا در وضعیتی که پاکستان هرگز قابل اعتماد نیست و هر زمانی می تواند بسوی روسیه سقوط کند، داشتن روابط با هندوستان بعنوان داشتن یک الترناتیف سیاسی برای تطبیق سیاستهای آمریکا در منطق خواهد بود. آقای ترمپ از هندوستان بعنوان بزرگترین دموکراسی یاد می کند و می گوید که آنها می خواهد هند نقش بیشتر اقتصادی در افغانستان بازی کنند. او نقش اقتصادی هند را برای ثبات افغانستان مهم می پندارد. اینکه چرا آقای ترمپ در مورد نقش سیاسی هند در افغانستان چیزی نمی گوید منطق سیاسی و عقلایی محرم نگهداشتن دارد. آقای ترمپ در اخیر این را نیز می گوید که برای ثبات و انکشاف منطقه اهداف مشترک دارند. این موضوع نشان می دهد که هندوستان در قضیه افغانستان عملاً بعنوان یک بازگر شناخته شد. این انکشاف برای افغانها این از یکطرف می تواند یک نوید باشد و از یکطرف هم افزوده شدن به سبب پذیرایی تحت عنوان جنگ نیابتی پاکستان و هندوستان. اما بنظر می رسد در حضور آمریکا هیچ بازیگری بعد از این نتواند خلاف میل آمریکا به بازی های آزاد بپردازد.

۶. صلاحیت دادن بیشتر به نظامیان آمریکایی

آقای ترمپ از همان آغاز با انتخاب جنرال جیم ماتیس (مشهور به سگ دیوانه) نشان داد که می خواهد صلاحیت های بیشتر به پنتاگون تفویض کند. همانطوریکه در نوشته قبلی ام در این مورد پیش بینی کرده بودم، کاخ سفید مصمم است برای نظامیان آمریکایی صلاحیت بیشتر بدهد تا آنها بصورت آزاد بتوانند در مورد جنگ افغانستان تصمیم آنی بگیرند. این کار از یک جانب می تواند برای خاتمه جنگ موثر باشد اما از جانب دیگر همچنان می تواند منجر به تلفات بیشتر ملکین در افغانستان گردد. به آن هم دیده شود که نتیجه این تغییر در عمل چه خواهد بود.

۷. تعهد و قاطعیت آمریکا در مورد افغانستان

از سخنان آقای ترمپ بصورت واضح معلوم میشود که آمریکا هرگز نمی خواهد از افغانستان به این زودی ها بیرون شود. مثلاً آقای ترمپ می گوید: «سربازان ما برای پیروزی خواهد جنگید. ما برای پیروزی به جنگ ادامه می دهیم. از همین اکنون به بعد، پیروزی دارای یک تعریف واضح خواهد بود. ما اراده قاطع برای از بین بردن دشمنان از قبیل داعش، تضعیف کردن القاعده و جلوگیری از گرفتن حکومت افغانستان توسط طالبان و جلوگیری از حملات دهشت افگنان های جمعی علیه آمریکایی ها قبل از ظهور آنهاست.

این پیام آقای ترمپ نشان دهنده دو موضوع میتواند باشد. اولاً اینکه آمریکا هنوز هم تروریسم را یک چلنج و تهدید جهانی می داد و ثانیاً اراده دارد در کنار حکومت افغانستان بصورت قاطع برای از بین بردن داعش و طالبان حضور داشته باشد.

۸. حمایت از سازمان ناتو

آقای ترمپ کسی بود که در جریان کمپاینهای انتخابی خود بالای سازمان ناتو انتقادات شدید می کرد و آن را یک سازمان به ضرر آمریکا می دانست اما حالا بعد از درک وضعیت سیاسی و واقعیت های جهان سیاست آمریکا بخوبی دانسته است که حضور سازمان ناتو برای آمریکا حتمی و ضروری است. بناً او از سازمان ناتو حمایت خود را اعلام می کند و می گوید که ما بالای سازمان ناتو صدا میکنیم که آنها از استراتژی جدید ما حمایت کنند و حمایت های مالی و نظامی بیشتر را برای رسیدن به اهداف مشترک مان منظور نمایند. حضور سازمان ناتو با آمریکا برای دولت افغانستان بسیار ضرور است و می تواند روحیه اشغال افغانستان توسط آمریکا را تضعیف کند. همچنان جنگ در قالب سازمان ناتو و آمریکا هر دو می تواند بیشتر موثر و تنظیم شده واقع شود. اگر جنگ افغانستان تنها توسط آمریکاییان مدیریت شود امکان افزایش تلفات ملکی ها و انجام اشتباهات استراتژیک فاحش همانند سابق نیز خواهد بود.

۹. افغانها سرنوشت خود را خودشان تعیین کنند

آقای ترمپ در سخنان خود چندین بار از مسوولیت افغانها حرف میزند. بنظر من این یک موقف درست و منطقی است بخاطریکه در نهایت روز افغانها باید مسوولیت کشور شان را خودشان بعهده بگیرند. تا زمانیکه افغانها خودشان دست به کار نشوند هیچ کس، هیچ گروه و کشوری نمی تواند افغانها را از این همه بدبختی ها و ناهنجاری ها نجات دهد. آقای ترمپ در سخنان خود می گوید: «ما نمی خواهیم دیگران را به تغییر نحوه زندگی شان وادار کنیم.» این به مفهوم آن است که بالاخره آمریکا شکست خود را برای صادر کردن دموکراسی و تغییر دادن طرز زندگی در افغانستان پذیرفت. من این کار را منطقی می پندارم بخاطریکه هر جامعه باید براساس ارزشهای خود و سطح انکشاف اجتماعی و سواد،

وضعیت اقتصادی و سیاسی خود نظامی را بوجود بیاورند که قابل تطبیق باشد و بتواند منتج به امنیت، ثبات، حاکمیت قانون و ثبات اقتصادی در آن کشور = شود.

۱۰. تجهیز و قدرت مند ساختن نیروهای نظامی افغانستان

آقای ترمپ در سخنان خود از نیروهای افغان یاد می کند و در مورد افغانستان و نیروهای نظامی آن چنین نظر می دهد: «افغانستان در حال مبارزه کردن برای دفاع و حراست از کشور خود در برابر دشمنانی هستند که امریکا را نیز تهدید می کند. بناً به هر اندازه که نیروهای افغان بیشتر قدرتمند شوند، سرگردانی و مشکلات ما کمتر خواهد شد. افغان ها خواهان رسیدن به امنیت و ساختن ملت خود هستند و در حال تعریف نمودن آینده خود هستند. ما می خواهیم آنها موفق شوند.» این سخنان آقای ترمپ نشان می دهد که امریکا اراده دارد تا نیروهای نظامی افغانستان بیشتر تجهیز و قدرت شوند.

در نهایت باید نوشت که استراتژی اداره ترمپ به مراتب بهتر از استراتژی حکومت باراک اوباما در قبال افغانستان است. اگر این استراتژی واقعاً بصورت درست تطبیق شود و افغانها خودشان نیز مسولیت کشور شان را بعهده خود بگیرند و از خواب غفلت بیدار شوند در اینصورت امکان دارد ما به صلح، ثبات و سعادت برسیم. قابل ذکر است که در تدوین این استراتژی جان مکین و آقای خلیل زاد درخصوص ذهنیت سازی آقای ترمپ در مورد پاکستان کارهای فوق العاده مؤثر را انجام داده اند که جا دارد از آنها سپاسگزاری شود. من استراتژی جدید امریکا را در قبال افغانستان بهتر از دیروز بررسی می کنم و برای آینده افغانستان امیدوار و خوشبین هستم.

باحرمت

امین یار